# سوالات مربوط به ماه محرم

## مشخصات كتاب

عنوان : سؤالات مربوط به ماه محرم  
پديدآورندگان : حسن ميرحسيني(تدوين گر)  
ناشر مقاله: ره توشه راهيان نور ويژه محرم سال 1379/1421  
نوع : متن  
جنس : مقاله  
الكترونيكي  
زبان : فارسي  
توصيفگر : سوگواري ها[1]  
ماه محرم الحرام

## فلسفه عزاداري

### اشاره

اثرات رواني - اجتماعي مراسم مذهبيمانند دعاي كميل، توسل و عزاداري و فلسفه برگزاري آنها چيست؟مراسم و جلسات ديني هر يك فلسفه، آثار و نتايج ويژه‌اي دارند كه هر يك جداگانه قابل بررسي هستند:

### دعاها

دعا خود از عبادات بسيار با اهميت است - در روايت آمده: «الدعاء مخ العبادة» [1] و داراي آثار ارزشمندي است از جمله:1 - وسيله برقراري رابطه معنوي با خدا و انس و الفت دل باحق تعالي.2 - توسعه بينش و معرفت نسبت به عظمت مقام ربوبي.3 - آرامش و سكون نفس و دل.4 - پشيماني از نافرماني‌ها و آلودگي‌ها كه حقيقت توبه است.5 - تلقين اعتقادات حق به دل و نفس مانند نبوت، امامت و رهبري معصومين.6 - تشخيص و تميز دادن رذايل از فضايل.7 - زنده سازي و احياي دل و تقويت خوف و رجا كه مهمترين محرك به سوي خوبيها و بازدارنده از كژي‌هاست.8 - ايجاد آرمان‌هاي بلند چون شهادت طلبي و عشق به جهاد در راه خدا.9 - سازنده روح مهر و عطوفت نسبت به همنوعان.10 - ايجاد كننده روح تعهد اجتماعي و...

### مراسم عزاداري

براي آگاهي بيشتر ر. ك: حماسه حسيني شهيد مطهري.بويژه براي حضرت سيد الشهدا عليه السلام كه از افضل قربات است و در طول تاريخ داراي اثر مفيد و ارزشمندي بوده از جمله:1 - احيا و زنده داشتن نهضت عاشورا موجب زنده نگه‌داشتن و ترويج دائمي مكتب قيام و انقلاب در برابر طاغوتهاست و تربيت كننده و پرورش دهنده روح حماسه و ايثار است.2 - عزاداري نوعي پيوند محكم عاطفي با مظلوم انقلابگر و اعتراض به ستمگر است و به تعبير استاد مطهري: «گريه بر شهيد شركت در حماسه اوست».3 - عزاداري براي اهل بيت موجب احياي ياد، نام و فرهنگ و مكتب وهدف آنان است. به عبارت ديگر در شكل يك پيوند روحي، راه آنان به جامعه الهام گشته و پيوستگي پايداري بين پيروان مكتب و رهبران آن برقرار مي‌سازد و ديگر گذشت قرون و اعصار نمي‌تواند بين آنها جدايي افكند.همين مساله موجب نفوذ ناپذيري امت از تاثيرات و انحرافات دشمنان مي‌گردد و مكتب را همچنان سالم نگه مي‌دارد و تحريفات و اعوجاجات را به حداقل مي‌رساند. از همين رو است كه استعمارگران براي نابودي ملل اسلامي مي‌كوشند تا رابطه آنان را با تاريخ پر افتخار صدر اسلام قطع نمايند تا با ايجاد اين خلاء زمينه القاي فرهنگ خود را فراهم آورند. اينها از آثار اجتماعي عزاداري است و آثار رواني و تربيتي ديگري نيز دارد.

### فلسفه عزاداري بر امامان چيست؟

عاشق اگر عاشق باشد، خود مي‌گريد پس چرا با برانگيختن احساساتش اشكش را در بياوريم و آيا اين اشك‌ها نقش تربيتي دارد؟مساله گريه و عزاداري بر حضرت سيد الشهدا عليه السلام از افضل قربات است و فلسفه‌هاي سازنده و تربيتي متعددي دارد از جمله:1 - زنده داشتن ياد و تاريخ پرشكوه نهضت‌حسيني.2 - الهام روح انقلاب، آزادگي، شهادت‌طلبي، ايثار و حقيقت‌جويي.3 - پيوند عميق عاطفي بين امت و الگوهاي راستين.4 - اقامه مجالس ديني در سطح وسيع و آشنا شدن توده‌ها با معارف ديني.5 - پالايش روح و تزكيه نفس.6 - اعلام وفاداري نسبت به مظلوم و مخالفت با ظالم و... اما اينكه اشك و گريه خود به خود به وجود مي‌آيد يا بايد با تلقين و برانگيختن احساسات ايجاد شود، مقوله ديگري است.مسلما هر مسلمان پاك طينتي با يادآوردن مصائب ابا عبدالله (ع) و عظمتي كه آن حضرت به وجود آورد، اشك سوز و گاه اشك شوق مي‌ريزد، ولي مجالس روضه خواني نقش تذكار و يادآوري دارند نه تلقين و اين با خواندن روضه‌هاي صحيح و واقعي به دست مي‌آيد، نه پيرايه‌ها و خرافات. در ضمن خلاقيت هنري مانند بيان كردن حقايق با اشعار زيبا يا صداي خوب نيز مساله مهمي است و نقش بسيار ارزنده‌اي در جذب توده‌ها و سيراب كردن عواطف دارد.اصولا يكي از روش‌هاي بلند دين بويژه اسلام آن است كه همه چيزش با هنر آميخته شده و همراه با زيباترين آفرينش‌هاي هنري توانسته است‌حقايق بلند را شيره جان مردم سازد و در اعماق وجود آنان جايگزين كند.

## فلسفه قيام امام حسين علیه السلام

چرا مردم با اظهار اين همه ارادت و دوستي نسبت به خاندان اهل‌بيت: از فلسفه قيام امام حسين عليه السلام اطلاع كافي ندارند؟همان طور كه گفته شد، هدف از عزاداري‌ها و مراسم محرم، احياي فلسفه عاشورا و استمرار بخشيدن به قيام خونين امام حسين عليه السلام است و بايد اين مساله، محور سخنان گويندگان مذهبي باشد. البته گويندگان مذهبي همه يكسان و هم سطح نيستند; ولي همواره بسياري از علما و دانشمندان ديني در پي احياي ابعاد مختلف اسلام از جمله قيام امام حسين عليه السلام و زدودن غبار خرافات از چهره دين و رويدادهاي تاريخي اسلام بوده و هستند، لكن در برخي از مجامع نيز ممكن است به عللي آنان دور از دسترس مردم بوده، از اين رو زمينه براي ميدانداري عناصر ديگر فراهم گردد.

## فلسفه گريه

## گريه چيست و چرا انسان گريه مي‌كند؟

گريه تجسم عيني تاثرات دروني و عاطفي است و داراي اقسام گوناگوني مي‌باشد كه هر يك آثار و نتايج ويژه‌اي دارند. از نظر روان‌شناسي گريه داراي اهميت بسياري است و فشار ناشي از عقده‌هاي انباشته در درون انسان را مي‌كاهد و درمان بسياري از آلام و رنج‌هاي دروني انسان مي‌باشد. در حقيقت اشك چشم سوپاپ اطميناني براي روح و جسم آدمي است كه در شرايط بحراني (اندوه و يا شادماني فراوان) موجب تعادل او مي‌گردد. از نظر عرفا نيز، گريه زيباترين و پرشكوه‌ترين جلوه تذلل بنده و اظهار عجز و تسليم و عبوديت در پيشگاه معبود قادر متعال است.

## گريه حضرت آدم بر امام حسين علیه السلام

آيا گريه كردن حضرت آدم بر امام حسين عليه السلام بيانگر جبر در زندگي انساني است؟اين گونه حوادث يا علم پيشين الهي به افعال بندگان و پيشگويي آنها مستلزم جبر نيست. زيرا علم خدا در اين موارد به چيزي Determinism تعلق گرفته كه با اراده آزاد بندگان تحقق خواهد يافت. به عبارت ديگر تفكر جبرانگار بين علم پيشين الهي و فعل بندگان رابطه علت و معلولي مي‌بيند. يعني علم خدا را علت فرض مي‌كند. زيرا مي‌بيند اگر آنچه خدا مي‌داند انجام نشود نافي علم مطلق الهي مي‌شود. چنانكه شاعر گويد:مي خوردن من حق ز ازل مي‌دانست گر مي نخورم علم خدا جهل بودو اين بيان همان رابطه ترتبي و علي است. در حالي كه واقع قضيه خلاف اين است. يعني چون بندگان افعالي را با اراده خود انجام مي‌دهند خداوند مي‌داند و از جمله آنها عمل شمر، يزيد و... با امام حسين عليه السلام است. بلي شمر، يزيد و... آزادانه مي‌توانستند امام حسين عليه السلام را به قتل نرسانند و اگر از اراده و اختيار خود چنين استفاده‌اي مي‌نمودند، خدا هم مي‌دانست كه نمي‌كنند و اجبار هم نمي‌كرد و گريه آدم هم در كار نمي‌بود. سر اين قضيه از نظر فلسفي آن است كه خداوند فوق زمان و مكان است و براي او قبل و بعدي نيست، از اين رو علم او به اعمال در همه زمان‌ها شبيه علم ما به يك حادثه در زمان حال است و همچنان كه چنين علمي موجب جبري بودن اعمال مورد مشاهده ما نيست، حضور عمل نزد خداوند نيز چنين است.

## قمه زني

فلسفه قمه‌زني چيست و از چه زماني شروع شده استقمه‌زني فلسفه صحيح اسلامي ندارد و شروع آن قرن‌ها پس از حادثه عاشورا بوده‌است. و هيچ دليل و مستند قابل قبولي براي آن وجود ندارد.افرادي قمه بر سرمي‌زنند و براي مشروع جلوه دادن آن استناد به كار حضرت زينب مي‌كنند كه سر خود را به محمل زدند آيا اين مطلب صحت دارد؟ و اين توجيه درست است؟در رابطه با قمه زني نه تنها هيچ دستوري از ناحيه شرع بر آن نرسيده است بلكه در صورت مضر بودن براي نفس و بدتر از آن چهره نامعقولي از دين نشان دادن، قطعا حرام و نامشروع است.در رابطه با روايتي كه به حضرت زينب نسبت مي‌دهند بايد گفت:اولا: اينكه حضرت زينب سر را به چوبه محمل زده باشد، در كتب معتبر تاريخي نيامده و ساخته و پرداخته برخي افراد فاقد معلومات است، خصوصا كه محدث محقق مرحوم حاج شيخ عباس قمي اين مساله را صحيح نمي داند.ثانيا: چنانچه فرض كنيم كه حضرت زينب به چنين عملي مبادرت كرده باشند، عمل حضرت زينب سلام الله عليها در چنين موردي حجت‌شرعي نيست، چرا كه تنها سيره و عمل پيامبر صلي الله عليه و آله و امام معصوم عليه السلام مي‌تواند ملاك عمل باشد.ثالثا: اگر آن خبر صحت داشته باشد (كه ندارد) ممكن است آن حضرت بدون اختيار و دراثر فشار و اندوه به چنين عملي مبادرت كرده باشد. در اين صورت نيز اين عمل قابل احتجاج نيست و نمي‌تواند ملاك عمل ديگران باشد.

## آيا از همراهان امام حسين علیه السلام كسي زنده ماند؟

آنچه از بررسي كتب تاريخ به دست آمده اين است كه: هشت نفر از همراهان و ياران امام حسين عليه السلام زنده ماندند:1 - عقبة بن سلمانوي غلام رباب، دختر امري‌ء القيس، همسر امام حسين عليه السلام بود كه او را به اسارت گرفتند و نزد عمر سعد بردند و چون از او پرسيد: «تو كيستي؟» پاسخ داد: برده‌اي هستم. عمر سعد او را آزاد كرد.2 - مرقع بن قمامهاو را نيز به اسارت گرفتند و قبيله وي از عمر سعد براي او امان گرفتند و نزد عبيدالله زياد بردند و عمر سعد ماجراي او را باز گفت و پسر زياد او را به بحرين تبعيد كرد و در آنجا سكونت گزيد.3 - مسلم بن رياحوي نيز از همراهان امام حسين عليه السلام بود و پرستاري آن حضرت را مي‌كرد. پس از شهادت آن حضرت زنده ماند و از كربلا گريخت.مسلم بن رياح از جمله كساني است كه قسمتهايي از ماجراي كربلا را نقل كرده است.4 - حسن بن حسنحسن بن حسن كه مشهور به حسن مثني است در روز عاشورا زخمي و مجروح گرديد وبا وساطت اسماء بن خارجه فزاري كه در لشكر عمر سعد بود و با او خويشاوندي داشت، از كشتن او صرف نظر كردند، و او را به كوفه آوردند و معالجه كردند و پس از بهبودي به مدينه بازگشت.5 - عمر بن حسن.6 - قاسم بن عبدالله.7 - محمد بن عقيل.8 - زيد بن حسن.اينان نيز به گفته برخي از اهل تاريخ در كربلا بودند، ولي زنده مانده و به شهادت نرسيدند. [2] .

## سرهاي شهداي كربلا را در كجا دفن كردند؟

روز يازدهم محرم سال 61 هجري تمام سرهاي شهدا كه قريب به هفتاد سر بود را از بدن‌ها جدا نمودند. و به توسط شمر و عمرو بن حجاج و خولي و حميد بن مسلم و ديگران به كوفه فرستادند.ابن‌زياد نيز سرهاي شهدا را با حضرت زين العابدين و ساير اسرا توسط شمر و افراد ديگر به طرف شام براي يزيد بن معاويه فرستاد.در مورد محل دفن سر مطهر سيدالشهدا پنج قول است:1 - سر مقدس حضرت ابي عبدالله را يزيد براي عمرو بن سعد به مدينه فرستاد و در بقيع نزد مادرش حضرت فاطمه دفن نمود.2 - آن سر مقدس را سه روز در دمشق مصلوب نمودند، بعد در خزينه بني اميه گذاردند تا زمان خلافت‌سليمان بن عبدالملك بن مروان، سپس وي آن سر مطهر را در باب قراديس شام دفن نمود.3 - سر مطهر سيدالشهدا را در بالاي سر پدرش اميرالمؤمنين در نجف اشرف دفن كردند. لذا زيارت آن سر مبارك در بالاي سر حضرت علي مستحب است.5 - حضرت امام سجاد عليه السلام آن سر مطهر را از شام به كربلا آورد و به بدن شريف آن حضرت ملحق ساخت. كه اين قول مشهور بين علماي شيعه است. [3] .در مورد سر مطهر ساير شهداي كربلا نيز، مي‌گويند امام سجاد عليه السلام جميع سرهاي آنها را از يزيد گرفت و در كربلا به بدنهاي آنها ملحق كرد.قول ديگر اين است كه سرهاي ديگر شهدا را در قبرستان شام دفن نمودند. كه فعلا نيز در قبرستان شام قبه عاليه‌اي است كه منسوب به رؤوس شهداي كربلا است و دوستان اهل بيت عصمت و طهارت در آنجا به زيارت اين سرهاي مطهر مي‌روند. [4] .

## آيا كسي از سپاه امام حسين علیه السلام به لشكر يزيد پيوست؟

در هيچ يك از منابع تاريخي معتبر ذكر نشده است كه اصحاب و ياران امام حسين عليه السلام در شب عاشورا از وي جدا شده و به لشكر يزيد ملحق شده باشند. بلكه همه ياران و اصحاب، پيشنهاد آن حضرت را درباره رفتن نپذيرفتند و همگي آمادگي خود را براي جانبازي و شهادت در راه فرزند پيغمبر اعلام كردند.آري، آنچه مسلم است اين است كه پس از رسيدن خبر شهادت مسلم بن عقيل، امام حسين عليه السلام در منزل «زباله» به همراهانش فرمود:«بسم الله الرحمن الرحيم: اما بعد، فانه قد اتانا خبر فظيع، قتل مسلم بن عقيل و هاني بن عروة و عبدالله بن يقطر وقد خذلتنا شيعتنا فمن احب منكم الانصراف فلينصرف، ليس عليه منا ذمام» خبر بس تاثر انگيزي به ما رسيده است و آن، كشته شدن مسلم بن عقيل و هاني بن عروه [5] و عبدالله بن يقطر است. شيعيان ما دست از ياري ما برداشتند و اينك هر يك از شما كه بخواهد برگردد آزاد است و از سوي ما حقي بر گردنش نيست».در اين ميان اعرابي كه در بين راه به آن حضرت ملحق شده بودند، برگشتند. تنها تعدادي از ياران خاصش كه از مدينه به همراه او آمده بودند باقي ماندند.شهيد مطهري مي‌فرمايد:«كسي از اصحاب و ياران امام حسين عليه السلام با توجه به گرفتاري كه داشتند به لشكر دشمن ملحق نشدند» [6] .

## آيا امام حسين علیه السلام آغازگر جنگ بود؟

لشكر عمر سعد در روز عاشورا گرداگرد لشكر و خيمه‌هاي امام حسين عليه السلام به گشت زني مشغول شدند.از هر طرف كه مي‌رفتند خندقي پر از شعله‌هاي آتش در اطراف خيمه‌ها مي‌ديدند.در اين هنگام شمر عليه اللعنه با صداي بلند فرياد زد:اي حسين!پيش از آنكه قيامت فرا رسد در رفتن به آتش دوزخ شتاب كردي!حضرت فرمود:گويا گوينده اين سخن شمر است.گفتند:بلي يا بن رسول الله!فرمود:اي پسر زن بز چران تو به آتش دوزخ سزاورتري.مسلم بن عوسجه كه در كنار امام حسين عليه السلام قرار گرفته بود گفتيا بن رسول الله!شمر در تير راس من است اجازه بده تا او را به جهنم واصل كنم.امام عليه السلام پاسخ داد:اني اكره ان ابداهم بالقتال من خوش ندارم كه آغازگر جنگ باشمبعد سخنراني‌هاي امام عليه السلام در روز عاشورا زمينه و مقدمات جنگ فراهم شد.حر بن يزيد رياحي با شنيدن استغاثه امام حسين عليه السلام از خواب غفلت بيدار شد و به لشكر حق پيوست.در اين هنگام عمر سعد تيري به كمان گذاشت و به سوي سپاه ابا عبد الله عليه السلام رها كرد و گفت:نزد امير ابن زياد شاهد باشيد كه من پيش از همه جنگ را شروع كردمدر نتيجه عمر سعد رسما با انداختن تيري به سوي سپاه ابا عبد الله عليه السلام جنگ را آغاز كرد و اين خود نشان دهنده اين است كه امام عليه السلام جنگ را آغاز نكرد بلكه از شروع به جنگ كراهت نشان مي‌داد

## شهداي اهل بيت امام حسين علیه السلام در صحنه جنگ كربلا چند نفر بودند؟

آنچه تاريخ ثبت كرده است اين است كه تعداد هفده نفر از اهل بيت امام حسين عليه السلام به غير از خود امام حسين عليه السلام در صحنه جنگ حضور داشتند و به شهادت رسيدند:1 - دو نفر از فرزندان امام حسين عليه السلام به نامهاي علي اكبر و علي اصغر سلام الله عليهما كه در زيارات به علي و عبدالله مذكور است.2 - قاسم بن حسن، عبدالله بن حسن و ابوبكر بن حسن سلام الله عليهم كه هر سه نفر از فرزندان برادرش امام حسن مجتبي بودند.3 - حضرت ابوالفضل العباس، عبدالله، جعفر، عثمان و محمد بن علي سلام الله عليهم از برادران امام حسين عليه السلام.4 - دو نفر از فرزندان حضرت زينب به نامهاي عون و محمد سلام الله عليهما.5 - پنج نفر از اولاد عقيل به نامهاي عبدالله بن مسلم بن عقيل، محمد بن مسلم بن عقيل، جعفر بن عقيل، عبدالرحمن بن عقيل و محمد بن ابي سعيد بن عقيل. [7] .

## آيا امام باقر، روز عاشورا در كربلا حضور داشت؟

آنچه از بررسي تاريخ عاشورا به دست مي‌آيد اين است كه امام باقر عليه السلام به اتفاق پدرش حضرت امام سجاد عليه السلام در كربلا حضور داشت و سن مباركش در آن وقت چهار سال بود، چون آن حضرت در سال پنجاه و هفت در مدينه منوره متولد شد و واقعه كربلا در سال 61 هجري اتفاق افتاد.محدث قمي مي‌گويد:«امام باقر عليه السلام در واقعه كربلا حضور داشت و در آن وقت چهار سال از سن مباركش گذشته بود.» [8] .در منتخب التواريخ آمده است:«روز عاشورا امام زين العابدين عليه السلام بيست و دو ساله بوده و امام محمد باقر عليه السلام چهار ساله بوده و هر دو در كربلا بودند و حق تعالي ايشان را محفوظ داشت.» [9] .

## دفن اجساد شهدا در كربلا توسط چه كساني انجام گرفت؟

هنگامي كه عمر سعد از كربلا خارج شد، جمعي از طايفه بني اسد كه در غاضريه سكونت داشتند به قتلگاه شهدا وارد شدند و پس از اقامه نماز بر اجساد شهدا، آنان را دفن نمودند. به اين طريق كه امام حسين عليه السلام را در همين موضعي كه اكنون معروف است دفن كردند و فرزندش علي اكبر را در پايين پاي پدر به خاك سپردند و بقيه شهدا (مگر چند نفر معيني) را در زير قدم آن حضرت دفن نمودند و حضرت عباس را در راه غاضريه در مكاني كه به شهادت رسيده بود به خاك سپردند.اما طبق احاديث صحيحه، امام را جز امام نمي‌تواند غسل و كفن و دفن نمايد، لذا روايت داريم كه گرچه به حسب ظاهر طايفه بني اسد حضرت سيدالشهدا را دفن كردند اما در واقع امام زين العابدين عليه السلام آمد و آن حضرت را دفن كرد. چنانچه حضرت رضا عليه السلام به اين مطلب تصريح فرموده است. [10] .

## عاقبت شمر بن ذي الجوشن چه شد؟

شمر بن ذي الجوشن، جاني شماره يك حادثه كربلا، پس از جنگ شورشيان كوفه با مختار، كه فرماندهي چند گروه را به عهده داشت از كوفه متواري شد و فرار را برقرار ترجيح داد.اما مختار در تعقيب اين عنصر خبيث بود. لذا ابوعمره كه از افراد بسيار ارزنده و از ياران صميمي مختار بود و كينه قاتلان حسين بن علي را در دل داشت، از طرف مختار مامور كشتن شمر شد. ابوعمره با گروهي به تعقيب شمر رفت و او را در يكي از روستاهاي بصره پيدا نمود. ابوعمره طي يك درگيري مسلحانه، شمر را زخمي كرد و سپس به اسارت خود در آورد. او را به نزد مختار آورد، مختار دستور داد او را گردن زدند و جسد او را در ديگ روغن جوشيده قرار دادند و يكي از اطرافيان مختار، سر شمر را با پاي خود لگد كوب كرد. [11] .شمر بن ذي الجوشن، از سران و شجاعان مردم كوفه بود كه در زمان حضرت علي از شيعيان و طرفداران حضرتش به شمار مي‌آمد و در جنگ صفين در ركاب علي با سپاه معاويه جنگيد و شجاعت‌خوبي از خود نشان داد. اما شمر همانند بسياري از مردم كوفه، در راه خود استوار نماند و به خاطر روح نفاقي كه در او وجود داشت، جزء دشمنان خاندان رسالت در آمد و به حكومت اموي پيوست.

## عاقبت ابن زياد چه شد؟

ابن زياد جاني شماره دو حادثه كربلا كه در شام به سر مي‌برد، از طرف عبدالملك مروان كه تازه قدرت شام را به دست گرفته بود براي مسلط شدن بر عراق، مامور سركوبي قيام مختار شد. مختار نيروهايش را آماده كرد و فرماندهي كل آنان را به ابراهيم بن مالك اشتر داد.اين دو لشكر با هم درگير شدند و ابراهيم اشتر با شجاعتي كه داشت، لشكر ابن زياد را متواري ساخت و تعدادي از فرماندهان و سربازان او را به درك واصل كرد.تا سرانجام به سر وقت ابن زياد، - اين عنصر كثيف بني اميه - رفت و با ضربت‌شميشير خود، او را دو نيم ساخت و سر بريده‌اش را براي مختار به هديه اورد و جسد آن خبيث را با آتش سوزاندند. ابن زياد در آن روز 39 سال داشت. روز جنگ لشكريان مختار با ابن زياد، روز عاشوراي سال 67 هجري و روز كشته شدن ابن زياد به دست تواناي ابراهيم اشتر درست روز عاشورا بود. اين يك اتفاق تصادفي نيست، بلكه خداوند خواسته بود كه درست در همان روز كه امام حسين عليه السلام به دست نيروهاي ابن زياد، مظلومانه به شهادت رسيد، در همان روز انتقام خون آن مظلوم را از قاتل او بگيرد. «و انها لعبرة لاولي الابصار» تا عبرتي باشد براي صاحبان خرد.

## عاقبت عمر سعد چه شد؟

مختار در آن روزهايي كه دست به انتقام خون شهداي كربلا زد، نسبت به «عمر سعد» بيش از همه حساس بود، از طرفي، قبلا به خاطر مصالحي امان‌نامه‌اي به «عمر سعد» داده بود و از طرف ديگر عمرسعد هم بهانه‌اي به دست مختار نداده و در شورش عليه مختار، شركت نكرده بوداز اين جهت قدري دستگيري و مجازات وي به تاخير افتاد.هنگامي كه عمر سعد متوجه شد كه مختار در صدد دستگيري و مجازات او است، شبانه از كوفه پا به فرار گذاشت. در بيرون شهر كوفه با شخصي روبرو شد و قضيه فرار را براي او نقل كرد. آن مرد تميمي عمر سعد را از فرار منصرف كرد و عمر سعد به منزل خود برگشت.مختار باخبر شد كه عمر سعد به قصد فرار به خارج شهر رفته و برگشته است. مختار خوشحال شد و اين حادثه را بهانه گرفت. لذا كسي را به دنبال «حفص» فرزند عمر سعد فرستاد.او فورا به نزد مختار آمد. مختار از پدرش عمر سعد سؤال كرد، حفص گفت: پدرم در خانه است.مختار «ابوعمره» را مامور جلب عمر سعد كرد. ابوعمره فورا حركت كرد و«عمر سعد» را براي مختار جلب كرد. عمر سعد كه ترسيده بود گفت جبه‌ام را بياوريد. [12] .ابوعمره از منظورش آگاه شد و مهلتي به او نداد، و شمشير برنده خود را بر فرق عمر سعد فرود آورد و او را به درك واصل كرد. بعد سرش را از بدنش جدا كرد و براي مختار آورد.مختار رو كرد به «حفص» فرزند آن جنايتكار و گفت: اين سر كيست؟ گفت: اين سر پدرم است.مختار در همانجا دستور داد كه سر «حفص» فرزند عمر سعد را نيز جدا كنند و او را به پدرش ملحق نمايند.بدين صورت عمر سعد و فرزندش به سزاي اعمال خود رسيدند.

## چرا سوگواري كنيم؟

### اشاره

مي‌گويند اگر امام حسين عليه السلام پيروز شد چرا جشن نمي‌گيريم چرا گريه مي‌كنيم؟ آيا اين همه گريه در برابر آن پيروزي بزرگ شايسته است؟آنهايي كه چنين سؤالي مي‌كنند، فلسفه عزاداري را نمي‌دانند و آن را با گريه‌هاي ذليلانه اشتباه مي‌كنند.اصولا گريه و جريان قطره‌هاي اشك از چشم كه دريچه قلب آدمي است چهار گونه است:

### گريه‌هاي شوق

گريه مادري كه از ديدن فرزند دلبند گمشده خويش پس از چندين سال، سر داده مي‌شود، يا گريه شادي آفرين ورضايت بار عاشق پاكبازي كه پس از يك عمر محروميت معشوق خود را مي‌يابد، گريه شوق است.قسمت زيادي از حماسه‌هاي كربلا شوق آفرين و شورانگيز است و به دنبال آن سيلاب اشك شوق به خاطر آن همه رشادتها، فداكاريها، شجاعتها، آزاد مرديها، و سخنرانيهاي آتشين مردان و زنان به ظاهر اسير، از ديدگان شنونده سرازير مي‌گردد، آيا اين گريه دليل بر شكست است؟

### گريه‌هاي عاطفي

آنچه در درون سينه انسان جاي دارد، قلب است نه سنگ! واين قلب كه ترسيم كننده امواج عواطف انساني است به هنگام مشاهده منظره كودك يتيمي كه در آغوش مادر در يك شب سرد زمستاني از فراق پدر جان مي‌دهد به لرزه در مي‌آيد وبا سرازير كردن سيلاب اشك، خطوط اين امواج را در صفحه صورت ترسيم مي‌كند و نشان مي‌دهد قلبي زنده وسرشار از عواطف مردمي است.آيا اگر با شنيدن حادثه جان سپردن يك طفل شيرخوار در آغوش پدر، ودست وپا زدن در ميان سيلاب خون در حادثه كربلا، قلبي بتپد، وشراره‌هاي آتشين خود را به صورت قطره‌هاي اشك به خارج پرتاب كند، نشانه ضعف وناتواني است‌يا دليل است بر بيداري آن قلب پر احساس؟

### گريه پيوند هدف

گاهي قطره‌هاي اشك پيام‌آور هدفهاست، آنها كه مي‌خواهند بگويند با مرام امام حسين عليه السلام همراه وبا هدف او هماهنگ وپيرو مكتب او هستيم، ممكن است اين كار را با دادن شعارهاي آتشين، با سرودن اشعار وحماسه‌ها ابراز دارند، اما گاهي ممكن است آنها ساختگي باشد، ولي آن كس كه احيانا با شنيدن اين حادثه جانسوز قطره اشكي از درون دل، بيرون مي‌فرستد، صادقانه‌تر، اين حقيقت را بيان مي‌كند، اين قطره اشك، اعلان وفاداري به اهداف مقدس ياران امام حسين عليه السلام و پيوند دل وجان با آنها است، اعلان جنگ با بت پرستي وظلم وستم، اعلان بيزاري از آلودگيهاست، وآيا اين نوع گريه - بدون آشنائي با اهداف پاك او - ممكن است؟

### گريه ذلت و شكست

گريه افراد ضعيف وناتواني است كه از رسيدن به اهداف خود وامانده‌اند وروح و شهامتي براي پيشرفت در خود نمي‌بينند، مي‌نشينند و عاجزانه گريه سر مي‌دهند، هرگز براي امام حسين عليه السلام چنين گريه‌اي مكن كه او از اين گريه بيزار ومتنفر است، اگر گريه مي‌كني گريه شوق، عاطفه، وپيوند هدف باشد. ولي مهمتر از سوگواري، آشنايي به مكتب امام حسين عليه السلام و ياران او و پيوستگي عملي به اهداف آن بزرگوار است، كه پاك بودن وپاك زيستن ودرست انديشيدن وعمل كردن مي‌باشد.

## آيا مي‌دانيد كه

1 - به دستور عمرسعد ده نفر براي اسب راندن بر پشت وسينه امام حسين عليه السلام داوطلب شدند؟2 - ده نفري كه اسب بر امام حسين (ع) راندند همه ولدالزنا بودند؟3 - تعداد سرهاي بريده شده در كربلا 78 سر بود؟4 - امام حسين عليه السلام سرزمين كربلا را خريده، سپس به اهالي آنجا بخشيدند؟5 - يزيد به وليد نامه نوشت‌يا از حسين بيعت بگير، يا گردنش را بزن؟6 - بعد از شهادت امام حسين عليه السلام آسمان خون باريد؟7 - بعد از شهادت امام حسين عليه السلام از زير هر سنگي خون مي‌جوشيد؟8 - در يك روز 600 نامه براي حضرت نوشتند كه آقا بيا؟9 - ابن زياد 1000 سواره و 500 پياده براي دستگيري مسلم بن عقيل فرستاد؟10 - بعد از آنكه حارث سر برادر بزرگتر دو طفلان مسلم را بريد و او را در شط فرات انداخت، بدن روي آب منتظر برادر كوچكتر بود تا آنكه يكديگر را در آغوش گرفته وبه زير آب رفتند؟11 - مسلم بن عقيل 27 روز قبل از شهادتش به امام حسين عليه السلام نامه نوشت كه يابن رسول الله 80 هزار نفر از اهل كوفه با تو بيعت كردند پس بشتاب به سوي ما؟12 - سر امام حسين عليه السلام در صد و بيست محل سخن گفت؟13 - حضرت فاطمه زهرا عليها السلام در مجالس و محافلي كه به نام امام حسين عليه السلام منعقد مي‌شود شركت مي‌كنند؟14 - تشكيل و برگزاري مجالس و محافل روضه خواني به نام ائمه عليهم السلام بويژه امام حسين عليه السلام چه فوائدي در بر دارد؟15 - امام حسين عليه السلام را به خاطر عداوت با پدرش اميرالمؤمنين عليه السلام شهيد كردند؟16 - خداوند متعال عوض شهادت امام حسين عليه السلام- امامت را در نسل ذريه‌اش نهاد؟- تربت او را شفاي هر بيماري نمود؟- هر دعائي در حرم او شود مستجاب مي‌گردد؟- روزهايي كه زائر او به زيارتش مي‌رود - چه رفت، وچه برگشت - جزء روزهاي عمرش حساب نمي‌شود؟17 - خاك كربلا معطر است؟18 - در كربلا قبل از امام حسين عليه السلام دويست نبي ودويست وصي نبي ودويست‌سبط نبي به شهادت رسيده‌اند؟19 - اگر امام زمان عليه السلام ظهور فرمايد نوادگان قاتلان امام حسين عليه السلام را به خاطر عمل پدرانشان مي‌كشد؟20 - امام حسين عليه السلام مكان اصحابش را قبل از شهادت به آنها نشان داد؟21 - اصحاب امام حسين عليه السلام براي شهيد شدن با يكديگر مسابقه مي‌دادند؟22 - زيارت امام حسين عليه السلام، در سال براي اغنيا دو بار و براي فقرا يكبار، واجب است؟23 - امام حسين عليه السلام در شيرخوارگي مطالعه لوح محفوظ مي‌نمود؟24 - امام حسين عليه السلام در شش ماهگي متولد شده است؟25 - امام حسين عليه السلام بعد از تولد تسبيح و تهليل و تمجيد خدا مي‌نمود؟26 - نامگذاري امام حسين عليه السلام توسط خدا بوده است؟27 - امام حسين عليه السلام بعد از تولد، شفاعت‌يكي از ملائكه مقربين به نام صلصائيل نمود؟28 - امام حسين عليه السلام بعد از تولد، شفاعت فطرس (يكي از ملائكه حمله عرش) نمود؟29 - فطرس افتخار مي‌نمود كه آزاد شده حسين عليه السلام است؟30 - اولين عزاداري براي امام حسين عليه السلام توسط خدا انجام شد؟31 - اميرالمؤمنين عليه السلام به سعد بن ابي وقاص فرمود: در خانه تو بز بچه‌اي است كه فرزند مرا مي‌كشد و آن روز عمر بن سعد چهاردست و پا راه مي‌رفت؟

## پاورقي

[1] بحارالانوار، ج‌93، ص‌300، دعوات راوندي: 18، ارشاد القلوب: 90 و 148، اعلام الدين: 278، عدة الداعي: 29 و 40 و 203.  
[2] رجوع شود به كتاب زندگاني امام حسين 7 7 1 سيد هاشم رسولي محلاتي، ص 548.  
[3] به غير از دو نفر كه يكي فرزند شيرخوار امام حسين (ع) جناب علي‌اصغر، و ديگر سر جناب حربن يزيد رياحي كه قبيله‌اش جسد او را از ميان شهدا بيرون بردند. منتخب‌التواريخ، ص 274.  
[4] منتهي الامال، ج 1، ص 440، منتخب التواريخ، ص 239 - 238.  
[5] منهاج الدموع، ص 403.  
[6] تاريخ طبري، ج 7، ص 294، ارشاد مفيد، ص 223.  
[7] حماسه حسيني، ج 3، ص 74.  
[8] منتهي الامال، ج 1 ص 400.  
[9] منتهي الامال، ج 2، ص 86.  
[10] منتخب التواريخ، ص 297.  
[11] منتهي الامال، ج 1، ص 406، 405. - بحارالانوار، ج 45، ص 338.  
[12] منظور عمر سعد از جبه شمشير بود.